

آشنایی با

دائرة المعارف آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش های اسلامی

اصغر ارشاد سرابی محمد سوهانیان حقیقی

گروه دائرة المعارف در هفت زمینه القاب، مناصب و موضوعات، رجال، سازمان‌ها، مکان‌ها، نفایس مکتوب، نفایس موزه و وقف فعالیت دارد. بی شک، تدوین دائرة المعارف آستان قدس رضوی به مراتب دشوارتر از نگارش دائرة المعارف های متعارف است، زیرا علاوه بر تنوع و تخصصی بودن، به سبب انتسابش به علی بن موسی الرضا(ع) و آستان قدس رضوی باید که هوشمندانه، دقیق، منقح و درخور اعتماد باشد، از سوی دیگر دائرة المعارف نویسی کاری گروهی است و به تفاهم جمعی و همتی مجدانه نیاز دارد، زیرا گذراندن مقالات از صافی های گوناگون از عهده یک تن بر نمی آید، همچنین تدوین این دائرة المعارف در آستان قدس مسبوق به سابقه نیست و پیش از این، پشتوانه تجربی نداشته است.

تاکنون حدود ۲۵۰۰ مدخل برای نگارش مقالات به تصویب رسیده که حدود چهارده درصد آن وارد چرخه نگارش و ویرایش های مختلف شده است، مراحل نگارش مقالات به شرح ذیل است:

- تهیه پرونده علمی برای هر مدخل با گردآوری منابع به منظور یاری به نویسنده و تسهیل امر نگارش؛

- شناسایی محققان براساس رشته تخصصی آنان برای نگارش مقالات؛

- پیشنهاد کارشناسان برای تعیین نویسنده هر مقاله به شورای علمی دائرة المعارف؛

«دائرة المعارف نگاری» و «دانشنامه نویسی» اکنون در کشور گستره شگفتی یافته است. این جریان با این گستردگی و گونه های مختلف قطعاً نیازمند تحلیل، تحقیق، نقد و آسیب شناسی است. «دائرة المعارف آستان قدس رضوی» در جهت شناخت و شناسایی، تحلیل و بررسی و گزارش مسائل و موضوعات مرتبط با حضرت رضا(ع) و آستان قدس اگر بسیار دیر نشده باشد باری اندکی دیر شده است. به هر حال «آینه پژوهش» نشر این مقاله کوتاه را از یک سوی به نشان دست مریزاد به گردآورندگان و پدیدآورندگان آن و از سوی دیگر بدان جهت که پژوهشیان ارجمند و اصحاب قبیله علم با تمام توان به بانیمان به پاس ارجمندی و والایی موضوع یاری رسانند.

مقدمات تدوین دائرة المعارف آستان قدس رضوی پس از تأسیس مرکز خراسان شناسی در سال ۱۳۷۶ آغاز شد و پس از ادغام آن مرکز در بنیاد پژوهش های اسلامی به سال ۱۳۸۰ گروه دائرة المعارف وظیفه ادامه این کار را بر عهده گرفت.

هدف از تدوین این دائرة المعارف تحقیق، بررسی، شناسایی و شناساندن کلیه مواردی است که به نوعی با حضرت رضا(ع)، حرم مطهر و آستان قدس رضوی پیوند می یابد.



- سفارش نگارش مقاله و پیگیری آن ضمن همکاری و راهنمایی نویسنده؛

- ارزیابی مقدماتی مقاله از جانب کارشناس به لحاظ منابع، استنادات و اعتبار علمی آن؛

- پیشنهاد کارشناسان برای تعیین ویراستار علمی به شورای علمی دائرةالمعارف؛

- حروفچینی، صفحه آرایی و نمونه خوانی مقاله پس از تأیید مقاله از طرف ویراستار علمی؛

- ویرایش استنادی به منظور تطبیق متن با منابع و صحت و سقم ارجاعات؛

- ویرایش بافتاری برای حفظ ارتباط و نظم مقاله و انطباق آن با شیوه نامه دائرةالمعارف؛

- آوانویسی مدخل ها در پایان دائرةالمعارف برای تعیین تلفظ صحیح آن؛

- ویرایش جامع برای بازبینی ویرایش های پیشین.

در تنظیم این دائرةالمعارف کوشش شده است درون مایه هر مقاله با مدخل و خاستگاه آن یعنی آستان قدس رضوی پیوند داشته باشد. همچنین علاوه بر توجه به اسناد، مدارک و منابع درباره برخی مدخل ها مانند سازمان ها و مکان ها و تفاسیر موزه، تحقیقات میدانی و پیمایش صورت گرفته است و سعی بر آن بوده که به واقعیت ها استناد گردد و از اغراق، عبارت پردازی و لقب سازی پرهیز شود. در مواردی که اختلاف نظر درباره یک شخص یا موضوع ابراز شده، به نظریات صائب جمعی تکیه کرده ایم و نه رأی شخصی نویسنده. در چنین مواردی علاوه بر اعتماد به رأی ویراستار علمی، به بحث و فحص و تحقیق مجدد پرداخته ایم. به علاوه در تمامی مراحل کار از حمایت و راهنمایی های سرپرست و همکاران گروه و مدیرعامل محترم بنیاد بهره برده ایم.

با همه کوششی که در تدوین و آماده سازی مقالات به کار رفته است اذعان داریم که هنوز در آغاز راهیم و به نتایج مطلوب نرسیده ایم، به ویژه به سبب تخصصی بودن بسیاری از مدخل ها نتوانسته ایم به اندازه کافی از همکاری پژوهشگرانی که به لحاظ علمی و نویسندگی و توان تألیف در سطح مطلوبی باشند برخوردار شویم؛ از این روی از نویسندگان و اهل فن برای همکاری در نگارش مقالات این دائرةالمعارف یاری می طلبیم.

برای برخورداری از نظریات محققان و صاحب نظران ارجمند، یک مقاله از مدخل های هر شاخه به عنوان نمونه

عرضه می شود،^۱ امیدواریم که اهل نظر در آنها به چشم عنایت بنگرند و از راهنمایی های علمی و فنی خود دریغ نورزند.

در پایان از درگاه خداوند کریم خواهانیم که موجبات شکوفایی این اثر را که معرف عظمت بارگاه رضوی و متعلق به ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناءست بیش از پیش فراهم آورد و گروه دائرةالمعارف را در خدمت به فرهنگ تشیع و شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت یاری فرماید.

آینه کاری حرم، هنر ایجاد اشکال منظم در طرح ها و نقش های متنوع با قطعات کوچک و بزرگ آینه ساده یا رنگی برای تزئین سطوح داخلی بنا؛ این هنر از دوره صفویه در ابنیه ایران به کار رفته و در دوره های بعد به کمال رسیده است.

اولین آینه کاری حرم مطهر در دوران شاه سلطان حسین صفوی در زیر گنبد حرم به گونه مذهب انجام گرفت (آینه کاری، ۱/ ۲۵۴). همچنین در سال ۱۲۷۵ق در دوره ناصرالدین شاه و تولیت عضدالملک، به دستور میرزا محمدصادق قائم مقام، برخی آثار به جای مانده از دوره صفوی در زیر گنبد با آینه پوشش یافت (اعتماد السلطنه، ۲/ ۳۴۴)، بدین ترتیب که مقرنس گچی سقف حرم مطهر با آینه های منقش به اشکال مختلف و اسلیمی هایی به رنگ های طلایی، نقره ای، لاجوردی و سنگرفی تزئین شد و زمینه کتیبه گچبری علیرضا عباسی در پایه گنبد به رنگ طلایی درآمد و خطوط آن با آینه زینت یافت (پیمایش). به تدریج دیگر رواق ها و بناهای اطراف روضه منوره نیز با آینه کاری های هنرمندانه آراسته شد، چنان که اوج هنر آینه کاری این دوره در تزئینات رواق دارالسیاده نمود یافت (آینه کاری، ۱/ ۲۵۶). در آینه کاری حرم مطهر از شیوه های متنوعی استفاده شده است. یکی از روش های سنتی به کار رفته در بعضی قسمت های حرم و بخشی از بدنه توحیدخانه و نمای غرفه های اطراف صحن انقلاب، استفاده از قطعات آینه به شکل های هندسی، ترنج و اسلیمی است که به صورت تزئینی در گچ نشانده شده است (پیمایش). در حال حاضر در این روش، زمینه با آینه و طرح های گل و برگ به صورت برجسته از گچ ایجاد می شود (زمرشیدی، ۳۳). از این شیوه در تزئین

۱. لازم به یادآوری است که هنوز از شاخه های وقف و تفاسیر مکتوب مقاله ای ارائه نشده است.

خدمت به پیشنهاد میرزا سعیدخان انصاری مؤتمن الملک، نایب التولیه آستانه از طرف ناصرالدین شاه لقب اعتمادالتولیه و منصب وزیر اولی آستانه به او اعطا شد و تا پایان عمر در این منصب ماند (احتشام کاویانیان، ۵۷۶-۵۷۹). میرزا شفیع پس از چهل سال خدمت در آستان قدس سرانجام در روز پنجشنبه ۲۹ ذی القعدة ۱۳۱۵ ق وفات یافت و در توحیدخانه حرم مطهر دفن گردید (همو، ۵۷۹؛ افضل الملک، ۲۱۱). از خدمات وی می توان به کاشیکاری ایوان شمالی صحن نو (آزادی) در ۱۲۹۶ ق) و همچنین تکمیل بنای دارالضیافه در ۱۳۰۱ ق اشاره کرد (احتشام کاویانیان، ۱۵۸؛ عطاردی ۱/۲۴۸). از میرزا شفیع آثار مکتوبی نیز به یادگار مانده است، از جمله دو فهرست از موقوفات آستانه، یکی با عنوان صورت موقوفات ارض اقدس که به دستور میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله نایب التولیه آستان قدس در ۱۳۰۳ ق به خط زیبای وی تحریر یافته (آصف الدوله، ۱۴۹ و ۱۷۳) و نسخه ای از آن به شماره ۶۱۷۱ در کتابخانه ملک موجود است (افشار، ۳/۴۸۲) و فهرست دیگر که در کتاب فردوس التواریخ نوروز علی بسطامی، در ۱۳۰۱ ق به چاپ رسیده است (فاضل بسطامی، ۴۱۴-۴۱۵). وی همچنین تصحیح و چاپ کتاب ینابیع الموده سلیمان قندوزی را در ۱۳۰۸ ق بر عهده گرفت. پس از فوت میرزا شفیع، فرزند ارشدش محمدتقی لقب اعتمادالتولیه و منصب پدر را به ارث برد (احتشام کاویانیان، ۵۷۹). خاندان بنی اعتماد از اعقاب وی می باشند.

منابع: آصف الدوله، میرزا عبدالوهاب، اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله، به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ احتشام کاویانیان، محمد، شمس الشموس، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۵ ش؛ اعتمادالتولیه، محمد شفیع، صورت موقوفات ارض اقدس، مرکز خراسان شناسی، مشهد، ۱۳۷۹ ش؛ افشار، ایرج و محمدتقی دانش پزوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک وابسته به آستان قدس، کتابخانه ملی ملک، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ افضل الملک، غلام حسین، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قدس، عطارد، تهران، ۱۳۷۱ ش؛ فاضل بسطامی، نوروز علی، فردوس التواریخ، مشهد، ۱۳۰۱ ق؛ قندوزی، سلیمان، ینابیع الموده، به کوشش میرزا شفیع اعتمادالتولیه، مشهد، ۱۳۰۸ ق.

سید محمدعلی موسوی

رواق های دارالرحمه، دارالهدایه و دارالولایه استفاده شده است که یکی از طرح های شاخص هنر آینه کاری در دوره معاصر به شمار می آید. کاربردی این رواق ها را زنده یاد حاج صادق رأفتی، رنگ آمیزی گچ و شیشه ها را ناصر آینه چیان و آینه کاری آنها را استاد ابوالقاسم ملکی و محمدعلی کوزه گر بر عهده داشته اند (پیمایش).

شیوه دیگری که در تزیین قسمت هایی از بدنه رواق های دارالسیاده، دارالسعاده، توحیدخانه و دارالزهد به کار رفته، آینه کاری با آینه بی رنگ یا شیشه های رنگارنگ است. در این شیوه، طرح های گل و بوته، ترنج و نیم ترنج که از آینه و شیشه های رنگی به اشکال منحنی، گرد یا بادامی بریده شده، بر زمینه آینه یا شیشه چسبانده می شود (سمنار و ...، ۲/۲۷۳). در دوره معاصر، کتیبه های آینه ای بخش مهمی از تزیینات آینه کاری رواق های حرم مطهر را به خود اختصاص داده است. آینه کاری های حرم به لحاظ غنا و قدمت به ترتیب عبارتند از: روضه منوره، دارالسیاده، توحیدخانه، دارالولایه، دارالرحمه، دارالهدایه، دارالحفاظ، دارالسعاده، دارالخلاص، دارالسلام، دارالسرور، مقبره شیخ بهایی، دارالزهد، دارالعباده، دارالشرف، دارالعزه و مقبره خالصی.

منابع: «آینه کاری»، دائرةالمعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، به اهتمام تیمور بهران لیموده، فرهنگ سرا، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ سمنار، محمدحسن و یحیی ذکاء، «آینه کاری»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش؛ زمرشیدی، حسین، گره چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش؛ کفیلی، حشمت، پیمایش، ۱۳۷۹ ش.

حشمت کفیلی

اعتمادالتولیه، میرزا محمدشفیع (۱۲۴۰ ق-مشهد ۱۳۱۵ ق) از مستوفیان عصر ناصری و وزیر اول آستان قدس. وی فرزند میرزا حسن خان، پیشکار دارایی قزوین است که در جوانی توسط میرزا محمد حسین عضدالملک قزوینی وارد مشاغل دولتی شد و اندکی بعد همراه وی از قزوین به تهران آمد (احتشام کاویانیان، ۵۷۶). سپس در سال ۱۲۷۲ ق همراه عضدالملک که به تولیت آستان قدس منصوب شده بود، به عنوان منشی وی به مشهد سفر کرد (همو، همان جا؛ افضل الملک، ۲۱۱). در دوره دوم نیابت تولیت عضدالملک (۱۲۸۲ ق) نیز در سمت پیشکاری متولی باشی مشغول به کار بود تا این که به سبب حسن



تپه سلام، اولین محل رؤیت گنبد و گلدسته های حرم و عرض سلام و ارادت زائران به آستان امام رضا(ع). روستای تپه سلام از توابع دهستان پایین ولایت بخش احمدآباد مشهد، در ۲۰ کیلومتری جنوب و جنوب شرقی مشهد واقع است. مکان های متعددی در این ناحیه به این نام شناخته شده که معروف ترین آنها، همین تپه است که بر سر راه قدیم نیشابور به مشهد، پیش از طُرُق قرار دارد (فرهنگ جغرافیایی ایران: خراسان، ۲۰۵).

زائران با مشاهده گنبد و گلدسته های حرم از فراز این تپه به شوق آمده، به آستان حضرت رضا(ع) عرض سلام و ارادت می کردند (اعتمادالسلطنه، ۸۱۲/۳). سلام دادن از این مکان، نشانه سلامتی و حاصل شدن مقصود نیز بوده است (وامبری، ۲۶۶؛ پیمایش). سنگ سیاه و بلندی بر روی این تپه وجود داشته که زیارت نامه حضرت رضا(ع) بر آن حک بوده است و زائران پس از توقف و خواندن دعا، هفت مرتبه به آن حضرت سلام می کرده اند (شیندلر، ۲۰۱؛ سدیدالسلطنه، ۲۱۰؛ خانیکوف، ۱۰۹). زائران به نشانه رسیدن و گذر از این تپه بر هرم های سنگی بی شمار آن سنگی می افزودند و با گره زدن بریده پارچه های رنگارنگ به درختان و بوته های اطراف دخیل می بستند (وامبری، ۲۶۵؛ خانیکوف، ۱۰۹). رتختت قامتور علوم
هنگام رسیدن به این تپه، گرفتن مژدگانی بابت گنبدنما از زائران تداول داشته است. در راه بازگشت از مشهد نیز در همین مکان زیارت وداع می خوانده اند (امین لشکر، ۱۷۷).

منابع پیش از دوره قاجار از تپه سلام یاد نکرده اند، اما در این دوره، هم سفرنامه نویسان ایرانی و هم سیاحان خارجی از آن نام برده اند، حتی سفرنامه نویسان اروپایی هم نتوانسته اند شادمانی و هیجان خود را از رسیدن به این تپه پنهان کنند (وامبری، ۲۵۴-۲۶۵). ناصرالدین شاه نیز در سفر به مشهد (۱۲۸۴ق) هنگام رسیدن به تپه سلام از اسب پیاده شده و به آستان حضرت رضا(ع) عرض سلام و احترام کرده است (حکیم الممالک، ۱۷۵).

امروزه به سبب تغییر راه ها و سهولت سفر، برگزاری سنت گذشته در این مکان از رونق افتاده، اما نام تپه سلام همچنان باقی مانده است.

منابع: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، به کوشش تیمور برهان لیموده، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۲؛ امین لشکر، میرزا قهرمان،

روزنامه سفر خراسان، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴؛ حکیم الممالک، علی نقی، روزنامه سفر خراسان، فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۵۶؛ خانیکوف، نیکولای ولادیمیریویچ، سفرنامه خانیکوف، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی گناه، سازمان چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵؛ سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، به نشر، تهران، ۱۳۶۲؛ شیندلر، هوتوم و دیگران، سه سفرنامه، به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو، توس، تهران، ۱۳۵۶؛ طالبیان، محمد، پیمایش، ۱۳۸۳؛ فرهنگ جغرافیایی ایران: خراسان، کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ترجمه کاظم خادمیان، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۰؛ وامبری، آرمنیوس، زندگی و سفرهای وامبری، ترجمه محمدحسین آریا، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.

محمد طالبیان

فرهنگ نامه قرآنی، سازمان (۱۳۴۸-۱۳۵۳ش)، سازمانی پژوهشی به منظور تدوین فرهنگی بر اساس قرآن های کهن و ترجمه دار کتابخانه آستان قدس رضوی. این سازمان در زمان تولیت باقر پیرنیا (۱۳۴۶-۱۳۵۰ش) و به همت دکتر احمدعلی رجایی بخارایی که در آن زمان مدیریت امور فرهنگی و کتابخانه های آستان قدس رضوی را عهده دار بود، تأسیس شد (سلطانی گرد فرامرزی، ۴۰؛ یاحقی، فرهنگ نامه قرآنی، نامه آستان قدس، ۱۴۱؛ احتشام کاویانیان، ۴۶۸؛ رکنی، ۲۴۷؛ پیرنیا، ۳۳۴).

دکتر رجایی که ضمن بررسی و انتظام نسخه های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به ارزش ترجمه های پارسی میان سطری قرآن های کهن پی برده بود، در صدد تدوین فرهنگ عربی به فارسی بر اساس برابرهای واژه های قرآنی برآمد. با این نیت، سازمان فرهنگ نامه قرآنی را در حجره های طبقه دوم ضلع جنوب غربی صحن نو تأسیس کرد (سلطانی گرد فرامرزی، ۴۰؛ یاحقی، همان، ۱۴۲؛ خسروانی، ۲۰۳؛ ارشاد سراپی، ۲۴).

حدود بیست تن از دانشجویان و فارغ التحصیلانی که از اهلیت و ورزیدگی علمی لازم برخوردار بودند، به تناوب و به صورت پاره وقت با این سازمان همکاری می کردند (یاحقی، فرهنگ نامه قرآنی، ۱/سی و یک).

عمده ترین هدف این سازمان گردآوری واژه ها و ترکیب های فارسی از دل قرآن های مترجم کهن و تدوین و تنظیم آنها بود. با

محمدجعفر، «فرهنگ نامه قرآنی»، نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۴، ۱۳۴۹ ش؛ همو، فرهنگ نامه قرآنی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵؛ همو، «از شمار خرد...»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال بیست و ششم، ش ۴ و ۳، ۱۳۵۷ ش. اصغر ارشاد سرابی

قالیچه محرابی، مشهور به چهار فصل با ابعاد $1/4 \times 1/11$ متر، تار و پرز، ابریشم، با بود پنبه، رنگ گیاهی (طبیعی)، گره فارسی (نامتقارن) و رج شمار ۶۰ گره در $6/5$ سانتی متر، در قرن یازده هجری به دست محمد امین کرمانی در کرمان بافته شده است.

این قالیچه، دارای حاشیه ای با نقش متداخل است که در گوشه های بالای آن، نام بافنده درج شده است.

زمینه پشت محراب به رنگ گل بهی با یک بند اسلیمی دهن اژدی و گل های ریز ختایی و افشان مزین شده است. در پیشانی محراب، کتیبه ای با عبارت «سبحان ربی الاعلی و بحمده» منقوش است.

چهار نهر، باغ متن محراب را به چهار بخش تقسیم کرده (نصیری، ۳۱) و هر قسمت با درخت ها، بوته ها و گل های رنگارنگ و پرندگان گوناگون مزین گردیده است. رنگ زمینه، سبز مایل به زرد است که بعد از بافت، حالت سایه روشن پیدا کرده است (اردلان جوان، ۲۲؛ مؤتمن، ۲۲۰). در هر نقر افقی و عمودی به ترتیب، دو و سه ماهی منقوش است. محل تلاقی نهرها حوضی هشت پر با سه ماهی و دو مرغابی است که در حکم ترنج این فرش محسوب می شود.

منابع: اردلان جوان، سید علی، دگاهی به موزه مرکزی، اداره موزه های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱ ش؛ نصیری، محمد جواد، سبزی در هنر قالی باقی ایران، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۷۴ ش؛ مؤتمن، علی، «قالی و قالیچه»، نامه آستان قدس، دوره دهم، ش ۱، ۱۳۵۳ ش.



فراهم آمدن این فرهنگ نامه، توانایی های زبان فارسی در برگرداندن مفاهیم قرآنی در تاریخ زبان و ادب پیشین ایران آشکار می شد. مبنای انتخاب واژه های میان سطری قرآن های کهن، صحت، قدمت و سره بودن واژه ها یا ترکیب های فارسی بود (یا حقی، فرهنگ نامه قرآنی، ۱/ بیست و چهار؛ ارشاد سرابی، ۲۵ و ۲۸).

بدین ترتیب، با جمع آوری قرآن های خطی و تعیین تاریخ کتابت، برگ شماری و فهرست نویسی آنها، کار فیش برداری با دستورالعملی که دکتر رجایی مشخص کرده بود آغاز شد. تا سال ۱۳۵۲ ش هنوز بیش از ۸۰ قرآن فیش برداری نشده بود که دکتر رجایی با نایب التولیه وقت بر سر مسائل فرهنگی اختلاف یافت و به یکباره دست از همه کارهای ناتمام فرو شست و از سر ضرورت به تهران رفت.

کارشکنی و عدم تشخیص برخی از افراد و مسئولان آستان قدس سبب شد که سازمان فرهنگ نامه قرآنی به رغم کوشش های دکتر یا حقی، مدیر داخلی سازمان، در پایان سال ۱۳۵۳ منحل شود (یا حقی، از شمار خرد...، ۵۶۳-۵۶۴؛ رواقی، ۱۵؛ ارشاد سرابی، ۲۵).

با تأسیس بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۳ ش، کار تدوین فرهنگ نامه قرآنی در آن بنیاد ادامه یافت و سرانجام با نظارت و اشراف دکتر محمدجعفر یا حقی و کوشش جمعی دیگر در ۵ جلد چاپ و منتشر گردید. تهیه این اثر سترگ از آغاز تا انجام طی دو دوره (۱۳۴۸-۱۳۵۳) و (۱۳۶۳-۱۳۷۵) هفده سال به طول انجامید.

منابع: احتشام کاویانیان، محمد، شمس الشمس، مشهد، ۱۳۵۴ ش؛ ارشاد سرابی، اصغر، «گشت و گذار در گلگشت فرهنگ نامه قرآنی»، آینه پژوهش، سال پنجم، ش ۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۳ ش؛ پیرنیا، باقر، گذر عمر، کویر، تهران، ۱۳۸۲ ش؛ خسروانی، سید محمود، «فرهنگ نامه قرآنی»، مشکوه، ش ۳۴، بهار ۱۳۷۱ ش؛ رکنی، محمد مهدی، «شرح حال و آثار دکتر رجایی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (یادنامه شادروان دکتر رجایی)، سال چهاردهم، ش ۲، تابستان ۱۳۵۷ ش؛ رواقی، علی، «کهن ترین برگردان قرآن به فارسی»، کیهان فرهنگی، ش ۱، فروردین ۱۳۶۳ ش؛ سلطانی گرد فرامرزی، علی، «از شمار دو چشم یک تن کم»، دگین، سال چهاردهم، ش ۱۵۹، ۱۳۵۷ ش؛ یا حقی،

